

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام / ۱۳۴۸/۱۱/۰۹

یکی دیگر از ارزش‌ها این است که سیاست خارجی ما به سه اصل عزت و حکمت و رعایت تقیه- در آن مواردی که باید تقیه کرد- متکی باشد. معنای عزت این است که جامعه و نظام اسلامی، در هیچ‌یک از برخوردهای بین‌المللی خود، نباید طوری حرکت کند که منتهی به دلیل شدن اسلام و مسلمین شود. البته، دلیل شدن غیر از ضعیف بودن است. ممکن است کسی ضعیف باشد، اما دلیل نباشد. بین این دو تفاوت است. کارآمدان این کارها، می‌توانند خوب بفهمند.

حکمت، یعنی نظام اسلامی حکیمانه کار کند و از روی احساسات و بی‌توجه به منافع و شرایط لازم و بهره‌هایی که ما باید از رابطه با دنیا بگیریم، حرکت نکند. دید باید کاملاً حکیمانه و پخته باشد. ای‌بسا ما با یک دشمن که در نهایت هم برخورد داریم، الان بایستی بنشینیم با او طرح دوستی بریزیم. این، حکمت است. خیال نکنید این‌ها از اسلام نیست؛ نخیر، آن جایی که جایش باشد، از اسلام است؛ کما اینکه رسول اکرم (ص) با خیلی‌ها- از جمله با یهود اطراف مدینه- مذاکره کرد. از آن سه طایفه، با یک طایفه جنگید و دو طایفه دیگر را نفی بلد کرد: «هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لاول الحشر ما ظننتم ان یخرجوا و ظنوا انهم مانعتم حصونهم من الله فاتاهم الله من حیث لم یحتسبوا و قذف فی قلوبهم الرعب یخربون بیوتهم بایدیم و ایدی المومنین فاعتبروا یا اولی الابصار». خود شما مسلمانها هم خیال نمی‌کردید که بناست این‌ها روزی از اینجا بروند؛ اما رفتند. بنا شد که خدای متعال این‌ها را اخراج کند و دیدید که اخراج کرد. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی با کفار قریش قرارداد بستند. حتی با بعضی از کفار، قراردادهای بلند مدت داشتند. یعنی هیچ انگیزه‌ی دعوایی در کار نبود. این موضوع، در خود قرآن هم مشخص است: «لا ینهاکم الله عن الذین لم ینالوکم فی الدین و لم ینالوکم من دینکم ان تروهم و تقسوا علیهم». آن کفاری که با شما مسئله و دعوا و سابقه‌ی سوپی ندارند و به شما ظلم نکردند و اخراجتان نکردند، شما می‌توانید با آن‌ها ارتباطات حسنه داشته باشید. بنابراین، وقتی از حکمت صحبت می‌کنیم، یعنی رعایت مصلحت جمهوری اسلامی و ملاحظه‌ی تمام استفاده‌هایی که این نظام می‌تواند از ارتباط با آن دولت‌ها ببرد. باید بر این اساس حرکت کنیم.

وقتی از تقیه صحبت می‌کنیم، ممکن است بگویند تقیه متعلق به آن زمانی بود که دولت مسلطی بر سرکار بود و ما هم مخفی بودیم و از ترس او چیزی نمی‌گفتیم. نه، همان وقت هم تقیه مساله‌ی ترس نبود. «التقیه ترس المومن»: تقیه سپر مومن است. سپر را کجا به کار می‌برند؟ سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می‌گیرد و به هنگام درگیری به کار می‌آید. پس، تقیه در زمینه‌ی درگیری است؛ چون ترس و حرز و سنگر و سپر است. همان وقت هم این‌گونه بود. وقتی تقیه می‌کردیم، معنایش این بود که ضربه‌ی شمشیر بر بر پیکر نحس دشمن وارد می‌کردیم؛ اما طوری که او نه شمشیر و نه دستی که شمشیر را گرفته و نه بلند کردن و نه فرود آمدن آن را ببیند و بفهمد، بلکه فقط دردش را احساس کند. تقیه، این بود. آن‌هایی که در آن روز تقیه می‌کردند، همین‌طور تقیه می‌کردند. آن‌ها مخفیانه و دور از چشم دشمن، در خانه‌های پنهان، با هزار ملاحظه و مراقبت، مثلاً اعلامیه تنظیم می‌کردند که وقتی پخش می‌شد، بکلی آبروی نظام را می‌برد. این کار، مثل ضربه‌ی شمشیر بود که وقتی بلند می‌شد، بر کمر و فرق دشمن می‌خورد. بنابراین، تقیه می‌کردیم؛ یعنی نمی‌گذاشتیم که دشمن بفهمد چه کاری انجام می‌گیرد. تقیه سپر بود و تقیه‌کننده پشت سپر مخفی می‌شد. معنای تقیه این است. الان هم همین معنا را می‌دهد.

بیانات در دیدار معلمان و کارگران / ۱۳۴۹/۰۲/۱۳

چه ساده‌لوحی است که کسانی بگویند برویم پشت میز مذاکره با یک دستگاه متکبر و بی‌اعتقاد به اصول انسانی و حقوق بین‌الملل بنشینیم. آمریکایی‌ها، به اصول و حقوق بین‌الملل، اعتقادی ندارند. دولت آمریکا، همان دولتی است که افسر جنایت‌کارش دستور تیر داد، موشک شلیک کردند، هواپیماهای مسافربری چند صد نفره را در دریا ساقط نمودند و مرد و زن و کوچک و بزرگ را نابود کردند و دولت آمریکا این افسر را محاکمه نکرد و شنیدیم که رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، به آن افسر مدال لیاقت داده است! این‌ها، این‌طور هستند. شما چه می‌گویید؟ مگر این‌ها به حقوق بین‌الملل معتقدند؟ مگر این‌ها به حقوق انسانها معتقدند؟ نخیر. من با مذاکره‌ی با آمریکا مخالفم و دولت جمهوری اسلامی، بدون اجازه‌ی من امکان ندارد چنین کاری را بکند و خودشان هم قاعداً با چنین کاری موافق نیستند. بعضی می‌گویند، دیپلماسی فعال. بله، ما معتقد به دیپلماسی فعال هستیم. ما معتقدیم که وزارت خارجه‌ی ما باید در سطح جهان منهای همین چند موردی که استثنا کردیم مشغول فعالیت باشد. البته بارها گفته‌ایم که عزت و حکمت و مصلحت را رعایت کنند. بروند با همه‌ی دولت‌ها، سیستم‌های مختلف، عقاید مختلف، روش‌های گوناگون، ارتباطات داشته باشند؛ مانعی ندارد، لیکن منطقه‌ی ممنوعه‌ی وجود دارد که از آن نباید تجاوز کنند.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۷۰/۰۲/۱۸

امروز دیپلماسی ما از جهاتی، حتی از دیپلماسی در دوران جنگ که خیلی پیچیده و سخت بود سخت‌تر، ظریف‌تر و ابتکارطلب‌تر است. اگر بخواهیم اصول سیاست خارجی را که بر پایه‌ی عزت و حکمت و مصلحت استوار است، بر اوضاع و شرایط پیچیده‌ی امروز دنیا و وضع خاص خودمان تطبیق کنیم، بلاشک فراست، ابتکار عمل، پرکاری، دقت و پایداری شدید به اصول و آرمان‌ها، جزو وظایف عمومی دستگاه دیپلماسی ماست. چرا امروز مساله‌ی دیپلماسی ما سخت و پیچیده است؟ برای اینکه از بعد از رحلت حضرت امام (ره)، سیاست زیرکانه‌ی پیچیده‌ی در دنیای مربوط به ما به وجود آمد. نمی‌خواهم بگویم که همه‌ی دنیا وقتشان صرف این کار می‌شود؛ نه، در آن بخش سیاست‌گذاری و فعالیت دنیایی مربوط به ما، ایده‌ی خیلی زیرکانه و البته خیانت‌آلودی پیدا شد که تقریباً از آن روزهای اول شروع کردند؛ از صحنه‌های گوناگون هم این سیاست را تعقیب کردند؛ هنوز هم تعقیب می‌کنند و آن، این است که تصمیم گرفتند در اعمال و رفتار و گفتار و منش جمهوری اسلامی چیزی پیدا کنند و یا چیزی به آن نسبت بدهند که در آن، تخطئه‌ی دوران امام باشد. این، چیز خیلی مهمی است. کاری کنند که دوران ده، یازده‌ساله‌ی نورانی حیات و حضور مبارک امام (ره) که ملت‌های دنیا به آن دوران دل بسته‌اند، ما در آن دوران حیات پیدا کردیم، کشور در آن دوران به اوج عزت اسلامی خود رسید و هرچه دستگاه‌های سیاسی، تبلیغاتی دشمن تلاش کرد که آن دوران را مخدوش و ملوکوت کند، نتوانست، به زبان و قلم و منش و رفتاری از درون جمهوری اسلامی تخطئه بشود؛ یا اگر چنین چیزی میسر و ممکن نیست، آن‌چنان وانمود کنند که گویی این کار در حال انجام است.

بیانات در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه / ۱۳۷۰/۰۲/۱۸

عرض کردیم که عزت و حکمت و مصلحت، یک مثلث الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی ماست. عزت: «الاسلام یعلو و لا یعلی علیه»، «لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلاً». ما نمی‌خواهیم عزتمان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه‌ی دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان یک حصار می‌کشند، ثابت کنیم. فلان کشور اروپایی ثابت می‌کند که نژاد من برترین است. آن یکی می‌گوید نخیر، نژاد من برترین است. حتی این تناقض و تخاصم، به جنگ‌های بین‌المللی و خونریزی‌ها و خرجهای کلان هم کشیده می‌شود؛ نه، ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی که خاصیت و شاخصه‌ی تفکر اسلامی است و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آن‌ها قائلیم. لذا ما هر قدرتی که می‌خواهد ابرقدرتی و تکبر و استکبار و فخرپوشی را در روابط خود با ملت‌های دیگر وارد نکند، رد می‌کنیم. اگر شما جزو فلان نژاد هستید، برای خودتان هستید. اگر شما دارای ثروت یا قدرت و تکنولوژی هستید، برای خودتان هستید. تکنولوژی شما برای خودتان است؛ برای ما که نیست؛ چرا به ما فخر می‌فروشید؟

هر ملتی ذخیره‌ای دارد. ملت ما هم ذخایر خیلی فراوانی دارد؛ ذخایر فرهنگی، پرورده‌ی بسیار درخشان در صحنه‌ی علم جهانی، در صحنه‌ی سیاست جهانی، در صحنه‌های گوناگون. ما بنای فخرپوشی نداریم. اگر خوبی، برای خودت هستی؛ اگر پولداری، برای خودت هستی؛ اگر قدرت‌مندی، برای خودت هستی؛ ارتباطات

با ما، ارتباطات و علایق انسان با انسان است. بنابراین، عزت یعنی تحمیل هیچ‌کس را قبول نکردن. آدم در رفتار بعضی از مسئولان کشورها، حتی در رفتار دیپلمات‌هایشان گاهی مشاهده می‌کند که فخر و غرور بیجا و احمقانه‌ای وجود دارد. تصور می‌کنند که چون زیانتشان فلان زبان است، یا نژاد و اسمشان، فلان نژاد و فلان اسم است، پس باید فخر بفروشند! نه، این‌ها تصورات احمقانه‌ای است و در منطق صحیح انسانی، جایی ندارد. ما چنین چیزی را از هیچ‌کس قبول نمی‌کنیم. ما بر اساس عزت اسلامی، عزت توحیدی و عزت ملت خودمان حرکت می‌کنیم. ملت ما باید در روابط بین‌المللی خواری نبیند و اهانت نشود. هیچ‌کس حق ندارد اهانت به ملت ایران را در کمترین برخورد با دیگران قبول کند. اگر کسی اهانت‌پذیر است، برای خودش اهانت‌پذیر است؛ برای ملت ایران نمی‌شود؛ حق ندارد. ملت ایران، ملتی سرفراز و بزرگ و جان‌دار است و نشان داده است که قدرت حضور در صحنه‌های دنیا را دارد. ما که بودیم؟ ما کجا بودیم؟ ما را در دنیا یک روز به عنوان زاینده‌ی انگلیس، و یک روز به عنوان زاینده‌ی آمریکا می‌شناختند! چه کسی معتقد بود که این ملت می‌تواند بدون اتکای به هیچ‌کس، بدین‌گونه در دنیا برای خودش عزت درست کند و انظار جهانی را به سوی خویش جلب نماید؟ ما بحمد الله در تمام صحنه‌ها مشاهده کرده‌ایم که این ملت، ملت بزرگ و جان‌دار و پرخونی است؛ زار و نزار و ذلت‌پذیر نیست. سراع حکمت می‌آییم. حکمت، یعنی حکیمانه و سنجیده کار کردن. هیچ‌گونه نسنجیدگی را نباید در اظهارات دیپلماتیک و هرآنچه که مربوط به سیاست خارجی و ارتباطات جهانی است، راه داد. همه چیز باید سنجیده باشد. آدم نباید هرچه به دهانش آمد، بگوید. باید ملاحظه کنیم که آیا این سخن با موازین منطق و خرد منطبق است، یا منطبق نیست. اگر منطبق نیست، آن را کنترل کنیم. باید حکیمانه برخورد کنیم. فقط در حرف زدن نیست؛ در معاشرت‌ها و برخوردها هم باید حکیمانه برخورد کرد. البته حکمت، به معنای نگفتن نیست. بعضی می‌گویند حالا که حرف نسنجیده نباید زد، پس چرا باید حرف زد؟! گویی که هیچ کار سنجیده نمی‌شود کرد! نه، اگر گفتیم ما باید حکیمانه کار کنیم، معنایش این نیست که پس کار نکنیم، تماس نگیریم، حرکت نکنیم، حرف نزنیم، مبادا غیر حکیمانه درآید!

همان‌طور که آقای دکتر ولایتی اشاره کردند و درست هم است، وزارت خارجه یک دستگاه انسانی عظیم است. از لحاظ نیروی انسانی، واقعا دستگاه پرذخیره‌ای است. بحمد الله انسانهای خوب، انقلابی، مسلمان، اکثرا یا عموماً بچه‌های انقلاب، جوانان انقلابی مومن، با فکرهای خوب در وزارت خارجه حضور دارند. ما چرا از تلاش و تفکر و سنجش و عقلیت بچه‌های حزب‌اللهی‌های خودمان مایوس باشیم؟ دیدیم که بچه‌های الهی‌های خودمان، همین برادران وزارت خارجه، همین عناصر مومن و خوب، در یک تجربه‌ی سیاسی مثل جنگ خلیج فارس که چیز خیلی عظیمی بود و چقدر افراد اشتباه کردند یا مثل قضیه قطعنامه، چگونه از خودشان عقل و شخصیت و هوشمندی نشان دادند. در ارتباطات فراوانی، همین‌طور است.

کار را سنجیده انجام بدهیم. کارهای نسنجیده انجام نگیرد؛ چون ضرر کار نسنجیده در اینجا، با ضرر کار نسنجیده فرضاً در اداره‌ی ثبت احوال فلان‌جا یا وزارت صنایع یا وزارت دیگر فرق می‌کند. ضرر کار نسنجیده در اینجا، عمیق‌تر و عمومی‌تر و چشمگیرتر و نقدتر است. کار نسنجیده نباید انجام بگیرد، حرف نسنجیده نباید زده بشود. جوانب هر کاری باید خوب سنجیده بشود و بعد انجام بگیرد. این، معنای حکمت است. و اما مصلحت. مراد، مصلحت شخص من و شما نیست، که اگر ما این اقدام را کردیم، ممکن است برایمان گران تمام بشود. نه، گران هم که تمام بشود، مگر ما که هستیم؟ اگر کاری به مصلحت کشور و به مصلحت انقلاب است، ولی به مصلحت شخص من نیست، گو مباحث؛ چه اهمیتی دارد؟ مصلحت، یعنی مصلحت انقلاب، و این مصلحت همه‌جانبه است؛ یعنی از رفتار شخصی ما بخصوص شما شروع می‌شود.

شما که مامور وزارت خارجه هستید بخصوص سفرا که در خارج هستند، و در درجه‌ی دوم کسانی که به خارج رفت و آمد دارند کار و منش شخصی شما، با منش شخصی عضوی در یک وزارتخانه‌ی دیگر متفاوت است. شما رسول و پیام‌آورید. از شما حدس زده می‌شود که در خارج چه خبر است. اگر شما در سفارتخانه، مسلمان زندگی کنید و همسر و فرزندان و کارمندان شما روش مسلمانی داشته باشند، فرق می‌کند با اینکه یک همسطح و هم‌رتبه‌ی شما در وزارت دیگری از وزارتخانه‌های ما، منش اسلامی داشته باشد. اینجا اثرش چشمگیرتر است. اگر هم خدای نکرده روش عملی شما اندکی اختلال داشت، ضررش بیشتر است. پس، از اینجا رفتار مصلحت‌آمیز را شروع کنید.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌ی دوم توسعه / ۱۳۷۲/۰۸/۱۸

رعایت اصول اعلام شده‌ی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و توجه اکید به عناوین عزت و حکمت و مصلحت در این روابط.

بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و کارکنان ارتش / ۱۳۷۶/۰۱/۲۷

ملت ایران هیچ‌وقت به انگلیسی‌ها اعتمادی نداشته است. الان هم شما هر چیز بدی که در کشور پیدا کنید، هر حرکت بد و هر کار زشتی که مشاهده نمایید، می‌گویند این کار انگلیسی‌هاست. انگلیسی‌ها به خاطر طول مدت استعمارشان و از بس که در ایران فساد کردند، در اینجا بدنامند. بنابراین، اگر انگلیسی‌ها بودند، چیزی را در این قضیه از دست نمی‌دادند. آلمان، این طوری نبود. مردم و دولت ایران، به صداقت آلمان نوعی اعتماد داشتند. البته به نظر من، همان هم ناشی از یک زودباوری بود و نباید این کار می‌شد. این اعتماد هم اعتماد درستی نبود؛ اما حالا ثابت شد. آلمانیها بدانند که امروز ملت ایران، به صداقت آنها دیگر هیچ اعتمادی ندارد.

دولت هم البته آنچه را که لازمه‌ی حکمت و اعتزاز این ملت است، در این زمینه عمل می‌کند و باید عمل کند. آنچه را که مصلحت ملت است، همراه با عزتی که مناسب این ملت است، باید با توجه و دقت دنبال کند و هیچ‌گونه عجله‌ای به خرج ندهد. هیچ احساس احتیاجی نکند، که بحمد الله نمی‌کند. ما به کسی احتیاج نداریم. این ملت، ملتی با شخصت میلیون نیروی انسانی و با ذخیره‌ی بسیار بازرشی از تجربه‌ها و سرمایه‌ها سرمایه‌های مادی، سرمایه‌های انسانی، سرمایه‌های معنوی و دانش و تجربه است. این ملت، خیلی چیزها را در درون خود دارد. ما اگر همه‌ی دروازه‌هایمان را هم ببندیم، از پا نخواهیم افتاد. ما به خودکفایی نسبی کاملی در همه‌ی جوانب رسیده‌ایم. اگر این ملت، یک‌وقت مصلحتش ایجاب کند که همه‌ی درها را هم ببندد، می‌تواند. بدانید که اگر چنان روزی برای ملت ایران پیش آید، روز فرج است. چرا؟ برای اینکه ما همیشه آن وقتی که احساس کرده‌ایم باید از خودمان استفاده کنیم، درخشیده‌ایم. دیدید که در جنگ، به مجرد اینکه درهای سلاح و تجهیزات جنگی بر روی ما بسته شد، ما به درون خودمان برگشتیم که خودمان را تامین کنیم. این پیشرفت‌هایی که ما امروزه در صنایع نظامی داریم، به همین خاطر پیش آمد، و الا ایران نمی‌توانست سلاح سبک کوچک هم تولید کند. امروز ایران سلاح‌های پیچیده را هم تولید می‌کند و می‌تواند تولید کند. این، به برکت همین بستن درها و قطع رابطه‌ها پیش آمد. به برکت این پیش آمد که ملت ایران و نیروهای سازنده و کارآمد، احساس کردند که باید به خودشان مراجعه کنند. اگر یک روز این احساس در جوانب دیگر هم پیش آید، روز عید ماست. ما از این هیچ نگرانی نداریم. تلاش کردند، تا شاید بتوانند کشورهای اروپایی و کشورهای دیگر وابسته به اروپا را وادار کنند که در این نمایش بی‌معنی شرکت کنند. البته کشورهای اروپایی حقا یکسان رفتار نکردند؛ بعضی خیلی بد عمل کردند. من به وزارت خارجه دستور داده‌ام که رفتارهای این دولت‌ها را با دقت ثبت کنند. در حافظه‌ی تاریخی این ملت باید بماند که فلان دولت، چگونه رفتار می‌کند؛ فلان حزب در فلان کشور که امروز دولت را اداره می‌کند، با ملت ایران در روز به خیال خودشان آزمایش، چگونه رفتار خواهد کرد. این باید ثبت شود و البته با دقت ثبت خواهد شد. بعضیها، خوب و عاقلانه و طبق منافع خودشان عمل کردند. آن منافع را فهمیدند و عمل کردند؛ بعضیها هم نه.

ما در زمینه‌ی مسائل اروپا، هیچ مشکلی نداریم. سیاست اروپایی را خود ما طراحی کرده‌ایم؛ کسی به ما دیکته نکرده است. ما خودمان تشخیص داده‌ایم که در زمینه‌ی رابطه با جهان، اروپا کجاست و چگونه باید با اروپا رفتار کنیم؛ همان‌طور هم رفتار کرده‌ایم و تا امروز هم بوده است. امروز هم آنچه را که لازمه‌ی حکمت و عزت و مصلحت است، همان را طراحی می‌کنیم و پیش می‌بریم. در دنیا به کسی نیاز نداریم که بخواهد به ما کمک کند. ما خودمان به فضل پروردگار، از روز اول انقلاب تا به حال، گذرگاه‌های بسیار دشوار را گذرانده‌ایم؛ این‌ها که چیزی نیست و اصلاً اهمیتی ندارد که با آنچه که ما از سر گذرانده‌ایم، قابل مقایسه باشد.

بنابراین، به نظر من ملت ایران در این آزمایش، بیشترین سود را برده است.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج / ۱۳۷۷/۰۱/۱۲

جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنج آفرینی در روابط خود با کشورها نیست، و به روابطی برابر که با سه اصل عزت و حکمت و مصلحت، در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقه‌مند و پایبند است؛ و ثابت کرده است که در این روابط، منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم‌النشان ایران و صیانت از آرامش و سلم در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست.

پیام به رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام برای رسیدگی به موارد پیشنهادی دولت / ۱۳۷۸/۰۱/۱۹

در امر سیاست خارجی، اصول اعلام‌شده‌ی جمهوری اسلامی و تاکید بر عناوین عزت و حکمت و مصلحت مورد توجه قرار گیرد.

ابلاغ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجساله‌ی سوم / ۱۳۷۸/۰۲/۲۰

ثبات در سیاست خارجی براساس اصول: عزت، حکمت و مصلحت و تعقیب هدفهای زیر:
گسترش همکاری‌های دوجانبه و منطقه‌ای و بین‌المللی
ادامه پرهیز از تشنج در روابط با کشورهای غیر متخاصم
بهره‌گیری از روابط برای افزایش توان ملی
مقابله با افزون‌خواهی و اقدام متجاوزانه در روابط خارجی
تلاش برای رهایی منطقه از حضور نظامی بیگانگان
مقابله با تک قطبی شدن جهان
حمایت از مسلمانان و ملت‌های مظلوم و مستضعف
تلاش برای ایجاد نزدیکی بیشتر میان کشورهای اسلامی
تلاش برای اصلاح ساختار سازمان ملل

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ / ۱۳۸۲/۰۸/۱۲

دارای تعامل سازنده و موثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت.

بیانات در دیدار سفرا و روسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور / ۱۳۹۰/۱۰/۰۷

اینکه ما تصور کنیم اگر ارزشهای معنوی را ملاک قرار دادیم، کار دیپلماسی به بن‌بست خواهد خورد، غلط است؛ به بن‌بست نمیخورد. میتوان با حفظ همین ارزشها، با پای فشاری بر همین ارزشها، در عرصه دیپلماسی وارد شد، فعال شد، تلاش کرد، منطبق را حاکم کرد و طرفها را رفته رفته و بتدریج به مواضع خود نزدیک کرد. اینکه گفتیم «عزت، حکمت، مصلحت»، حکمت این است. حکمت این است که شما بتوانید مواضع طرف مقابل را حکیمانه به مواضع خودتان نزدیک کنید؛ اینها در تضاد با هم نیستند. حکمت و عزت و مصلحت مکمل همند؛ باید در جهت مصالح ملی باشند؛ و در درجه اول باید با حفظ عزت ملی و عزت هویتی همراه باشند. یعنی تسلیم، انسلام، انظلام، نه در مرحله باورهای قلبی و نه در مرحله عمل و قرارداد، نباید وجود داشته باشد؛ این با حکمت امکان‌پذیر است. دعوا کردن و اوقات تلخی کردن و حرف تند زدن، یک وقتی ممکن است به درد بخورد؛ اما این روش عمومی نیست. روش عمومی، حکمت است. حکمت یعنی با منطقی، متین در عرصه دیپلماسی وارد شدن. اگر چنانچه اینجوری پیش برویم، به توفیق الهی پیشرفت‌های ما هرگز متوقف نخواهد شد.

بیانات در دیدار کارگران و فعالان بخش تولید کشور / ۱۳۹۲/۰۲/۰۷

[نامزدهای انتخابات باید] انسانهای با تدبیری باشند، با حکمت باشند. ما در سیاست خارجی گفتیم «عزت و حکمت و مصلحت»؛ در اداره‌ی کشور هم همین جور است، در مسائل داخلی هم همین جور است، در اقتصاد هم همین جور است؛ باید با برنامه، با حکمت، با تدبیر، با نگاه بلندمدت و همه‌جانبه، با یک هندسه‌ی صحیح کارها را مشاهده کنند، نگاه کنند، وارد میدان شوند.
روزمه فکر کردن در مسائل اقتصادی، مضر است؛ تغییر سیاستهای اقتصادی به طور دائم، مضر است - در همه‌ی بخشها، بخصوص در اقتصاد - تکیه کردن بر نظرات غیر کارشناسی، مضر است؛ اعتماد کردن به شیوه‌های تزریقی اقتصادهای تحمیلی شرق و غرب، مضر است. سیاستهای اقتصاد باید سیاستهای «اقتصاد مقاومتی» باشد - یک اقتصاد مقاوم - باید اقتصادی باشد که در ساخت درونی خود مقاوم باشد، بتواند ایستادگی کند؛ با تغییرات گوناگون در این گوشه‌ی دنیا، آن گوشه‌ی دنیا متلاطم نشود؛ این چیزها لازم است.

□